

مجموعه اصطلاحات بیکاربرد در عملیات ساختمان



محمد زمانے

مجموعه اصطلاحات پر کاربرد در عملیات ساختمان

بر اساس ضوابط و مقررات

| | |
|----------|-----------------|
| نویسنده: | محمد محمد زمانی |
| ناشر: | معماری ۱۴ |
| قیمت: | رایگان |
| پخش: | زمستان ۱۳۹۳ |

حقوق این اثر برای معماری ۱۴ می‌باشد. حق چاپ و تکثیر با ذکر نام منبع مجاز است.

ارتباط: Www.MohammadZamani.blog.iR

Www.ARchitect14.iR

Architect14@Ymail.com

IR.Architect14@Gmail.com

مقدمه:

این جهان کوه است و فعل ما صدا.....سوی ما آید، ندهاها را صدا سپاس و ستایش خداوندی را که توفیق تألیف مجموعه حاضر را نصیب اینجانب گردانید. در این مجموعه سعی بر آن بوده علاوه بر در نظر گرفتن معیارها و اصول بیشترین اصطلاحات پر کاربرد در صنعت ساختمان سازی گردآوری شود. این کتاب برای مهندسين و طراحان می باشد و اطلاعات اولیه مورد نیاز را برای هر پروژه ساختمانی فراهم میاورد. هدف آن است که در زمان بررسی های اولیه، در وقت مهندسين صرفه جویی به عمل آید. مهندسين عزیز باید درباره ضروریات اجزای تشکیل دهنده پروژه های جدید، اطلاعات کافی داشته باشند و از اصطلاحات ساختمانی مطلع بوده تا به هنگام اجرای عملیات دچار مشکل نشوند. در همین راستا این کتاب کوتاه تهیه شده است که شما عزیزان با مطالعه این مجموعه اطلاعات خود را افزایش داده و در فن ساختمان موفق عمل خواهید کرد.

موفق باشید

محمد محمد زمانی

بخش اول: معماری – عمران

۱. مواد مضاف بتنی: موادی هستند که خاصیت بتن تازه را تغییر می‌دهند.
۲. U ناودانی: نوعی پروفیل که عمده مصرف آن در ساخت بادبند، پل‌ها و ... استفاده می‌شود.
۳. میلگرد: نوعی پروفیل با مقطع گرد و به صورت ساده و آجدار در کارهای بتنی مسلح و مهارها به کار می‌رود.
۴. تسمه: با مقاطع مربع، مستطیل و برای ساخت درها، حفاظ‌ها و وصله‌ها در ساختمان به کار می‌رود.
۵. چوب: که در قدیم برای نعل درگاه و ساخت درب و پنجره و حالا برای ساخت درها و ساخت قالب استفاده می‌شود.
۶. تخته فلزی: در کارهای آرایشی بنا، ساخت در، مبل و صندوقه بتن به کار می‌رود.
۷. پارکت: فرآیندی از چوب که برای فرش کف ساختمان استفاده می‌شود.
۸. شیشه ایمنی: نوعی شیشه با حداقل ضخامت ۱۳ میلیمتر که هنگام شکستن خرد نمی‌شود.
۹. شیشه: برای عبور نور و جلوگیری از هدر رفتن انرژی از ماده‌ای سیلیسی استفاده می‌شود.
۱۰. بتانه: نوعی خمیر که عمده استفاده آن در شیشه است.
۱۱. قیر: نوعی فرآورده نفتی که در عایق بندی ساختمان استفاده می‌شود.
۱۲. اندود کاه گل: نوعی ملات برای عایق بندی ساختمان استفاده می‌شود.
۱۳. سیمنت نایل: نوعی موزائیک که ملات آن با دقت ساخته شده و وایبره می‌شود.
۱۴. رابیتس: نوعی توری به منظور نگه دارنده اندود در مقاطع با سطح نجسب و صیقلی است.

۱۵. **بتن سبک:** نوعی بتن که در آن پودر آلومینیوم و پوکه اضافه شده به منظور عایق صوتی و غیر سازه ای استفاده می‌شود.
۱۶. **سیپورکس:** آجرهای گچی که برای ساختن دیوار جداکننده یا سقف سبک به کار می‌رود.
۱۷. **پانل گچی:** ملات گچی پیش ساخته برای جداسازی و عایق صوتی حرارتی استفاده می‌شود.
۱۸. **بتن الیافی:** مخلوط بتن معمولی به اضافه الیاف فولادی که به طور یکنواخت در بتن پخش و باعث افزایش مقاومت فشاری بتن در نوع خود شده و در جاده سازی و محوطه سازی استفاده می‌شود.
۱۹. **عایق پتویی:** عایقی از پشم سنگ، پشم شیشه و چوب پنبه در ضخامت ۱۰۰ میلیمتر برای عایق حرارتی استفاده می‌شود.
۲۰. **بتن مگر:** بتنی برای هم سطح کردن و تمیز کردن کف پی استفاده می‌شود و عیار آن ۱۵۰ کیلوگرم است.
۲۱. **شفته آهک:** ملاتی از آهک، خاک و دانه‌های سنگی و آب در پی‌ها و کف‌سازی استفاده می‌شود.
۲۲. **کرسی چینی:** چیدن چند رج آجر روی پی اختلاف ارتفاعی بین سطوح داخلی و خارجی بوجود می‌آورد که کرسی گویند.
۲۳. **چتایی:** نوعی گونی که در عایق بندی به همراه قیر استفاده می‌شود.
۲۴. **ایزوگام:** ورق‌های قیر اندود که با لایه‌هایی از پشم شیشه یا الیاف مصنوعی همراه است.
۲۵. **بارسنگ:** مقدار بیرون زدگی سطح نمای سنگ را نسبت به بر آن بار سنگ گویند.
۲۶. **گابیون:** دیوارهایی که بصورت سنگی اجرا می‌شوند دور آنها تورهایی مهار می‌کنند تا مقاومت و یکنواختی بیشتری داشته باشد.

۲۷. آجر سفال: خاک رس در قالب‌هایی سوراخ دار با حرکت در کوره برای جداکننده ساخته می‌شود.
۲۸. گچ بتونه صنعتی: برای اتصال صفحات گچی پیش ساخته استفاده می‌شود.
۲۹. نعل درگاه: تیر یک پارچه‌ای از بتن، چوب، آهن که در بالای درگاه نصب می‌شود.
۳۰. پوتر بتنی: نعل درگاه بتنی همراه با میلگرد به شکل معینی ساخته می‌شود.
۳۱. آنکا: میلگردی که جهت تحمل نیروی برشی استفاده می‌شود.
۳۲. چارچوب: قابی که در به آن لولا و بر روی آن باز و بسته می‌شود.
۳۳. آستانه: پایین چارچوب که در بالتر از کف قرار می‌گیرد.
۳۴. شمسه: قوطی‌های چهار ضلعی که پشت آن بوسیله گچ پر می‌شود.
۳۵. رامپ: قدیمی‌ترین و ساده‌ترین وسیله ارتباطی دو سطح غیر تراز.
۳۶. آسانسور: وسیله ارتباطی بین طبقات در ساختمان‌های بلند که به وسیله موتور حرکت می‌کند.
۳۷. سرگیر: محلی در ورودی پارکینگ به ارتفاع حداکثر ۱۵۰ سانتیمتر.
۳۸. کف پله: سطح فوقانی پله یعنی جایی که پا قرار می‌گیرد.
۳۹. پیشانی پله: قطعه‌ای عمودی که میان دو کف پله متوالی قرار دارد.
۴۰. گونه پله: سطح بغل پله را گونه می‌نامند.
۴۱. عرض پله: فاصله بین گونه‌های پله را عرض پله می‌گویند.
۴۲. پاگرد: محلی است که شخص پس از پیمودن یک ردیف پله بر آن قدم می‌گذارد.
۴۳. دست انداز پله: نرده‌ای که برای جلوگیری از سقوط و خطرات ناشی از آن استفاده می‌شود.

۴۴. لب پله: پیش آمدگی کف پله از پیشانی لب پله نام دارد.
۴۵. خط مسیر پله: خط نشان دهنده مسیر پله را خط مسیر پله گویند.
۴۶. شمشیری پله: تیر آهن زیر پله را شمشیری گویند.
۴۷. پله فرار: پله‌ای که خارج ساختمان تعبیه میشود، تا هنگام بروز خطر از آن استفاده شود.
۴۸. سقف: پوششی است برای جلوگیری از نفوذ عوامل طبیعی به داخل ساختمان.
۴۹. پاکار: محل قرارگیری سقف روی دیوار در طاق ضربی را پاکار گویند.
۵۰. طاق ضربی: اجرای سقف بین دو تیر آهن و قراردادن آجر با ضربه روی ملات گچ و خاک.
۵۱. آبخور: فرو بردن آجر در آب به منظور گرفتن گرد و خاک آن.
۵۲. گرم بندی: با ملات‌های مختلف نوارهایی به عرض ۱۰ سانتی‌متر در یک راستا به فاصله معین ایجاد می‌کنند که با آن گرم گویند.
۵۳. خرپا: مجموعه‌ای از میله‌های مستقیم که به طور مفصلی به هم متصل شده و شبکه‌های مثلثی را به وجود می‌آورند.
۵۴. ایرانیت: ورق‌های موج داری که از جنس سیمان که متداول‌ترین پوشش سقف کارخانجات و انبارها است.
۵۵. کرپی: وسیله اتصال ورق‌های موجدار (ایرانیت) به لایه‌ها را کرپی گویند.
۵۶. سقف کاذب: به پوشش غیربرابر که زیر سقف اصلی قرار دارد.
۵۷. شمع بندی (تنگ بستن): میله چوبی یا فلزی است که بر بدنه گود یا دیوار ساختمان مجاور قرار داده می‌شود به منظور جلوگیری از ریزش دیوارها یا خاک‌های بدنه به داخل گود می‌شود.
۵۸. پی: مجموعه بخش‌هایی از سازه و خاک در تماس با آن که انتقال بار بین سازه و زمین از طریق آن انجام می‌پذیرد.

۵۹. ریشه در کرسی چینی: عرض کرسی از هر طرف دیوار باربر، بین ۵ تا ۱۰ سانتی متر بیشتر در نظر گرفته می شود تا توزیع وزن دیوار، در سطح بزرگتری از پی انجام شود.
۶۰. یک رچی کردن: چیدن اولین رج دیوارها که این رج عامل تعیین کننده سایر رج های دیور می باشد.
۶۱. دیوار باربر: دیواری در ساختمان که وظیفه انتقال بار سقف را دارد.
۶۲. دیوار غیر باربر: دیواری که به منظور جداسازی فضاها استفاده می شود.
۶۳. پیوند: به انواع آرایش های شناخته شده ی آجرچینی دیوارها اطلاق می - شود.
۶۴. پیوند کله راسته: به آجرچینی که یک در میان بصورت کله و راسته چیده شود.
۶۵. سنگ قلوه: سنگ هایی که در رودخانه غلتیده اند و گوشه های تیز آنها صاف شده است.
۶۶. سنگ لاشه: سنگ هایی که بصورت نامنظم و گوشه دار وجود دارند.
۶۷. سنگ قواره: اگر گوشه های تیز سنگ لاشه را با پتک یا چکش بگیرند سنگ قواره بدست می آید.
۶۸. سنگ بادبر (مالن): سنگ شکل گرفته ای است که تقریباً بصورت مکعب مستطیل تراش خورده است.
۶۹. لاشه چینی: سنگ کوهی که با پتک قواره می کنند و به صورت کله و راسته روی هم قرار می دهند و
۷۰. سنگ چینی مختلط سنگ و ملات: مانند لاشه چینی است با این تفاوت که بین سنگ ها است.

۷۱. سیپورکس: ملاتی را با آهک، ماسه، تهیه می‌کنند و آن را در قالب می‌ریزند و قطعه بدست آمده را در بخار آب تخت فشار در می‌آورند تا مقاوم شود، قطعه بدست آمده سیپورکس نام دارد.

۷۲. ساندویچ پانل: از دو لایه فلز یا فایبرگلاس که بین آن‌ها فوم پلی‌اورتان تزریق می‌کنند و به آن‌ها ساندویچ پانل گویند.

۷۳. شانه قوس: محلی که قوس در اثر بار زیاد ترک بر می‌دارد شانه قوس گویند.

۷۴. پاکار: محل شروع قوس از ستون یا دیوار را پاکار گویند.

۷۵. شکرگاه (شکن‌گاه): فاصله بین پاکار و شانه را شکرگاه گویند.

۷۶. تیزه: محل برخورد دو نیمه قوس را تیزه گویند.

۷۷. آوارگاه: فاصله بین شانه تا محلی که طاق بر اثر بار زیاد فرو می‌ریزد.

۷۸. کلاسه: فاصله بین تیزه تا محل تمام شدن آوارگاه را کلاسه گویند.

۷۹. آرگ (آرک): قوس تزئینی به منظور جداسازی دو فضا از یکدیگر را گویند.

۸۰. پله: معمول‌ترین وسیله ارتباطی بین دو سطح با اختلاف (در ساختمان) را پله گویند.

۸۱. غوری گل: گل سفت لگد مال شده را غوری گل گویند.

۸۲. دورچینی سقف: دور تا دور سقف دو رج دیوار چینی انجام می‌شود که اصطلاحاً

دو رگه نیز می‌گویند.

۸۳. شیب بندی بام: برای هدایت آب به ناودان شیبی ایجاد می‌گردد به این عمل شیب بندی می‌گویند.

۸۴. زهکشی: خشکاندن یا انتقال آب‌های سطحی به محل مورد نظر زهکشی گویند.

۸۵. **میله چاه:** استوانه‌ای که اندازه قطر آن حدود ۹۰ سانتی‌متر است و به منظور رسیدن به قسمت آبکش حفر می‌شود.
۸۶. **انباره چاه:** به فضایی که در قسمت پایین میله کنده شده به منظور جمع‌آوری فضولات انباره گویند.
۸۷. **فاضلاب:** مخلوط رقیقی از انواع آب‌های دور ریختنی به همراه مواد زائد را فاضلاب گویند.
۸۸. **سپتیک تانک:** مخزن سرپوشیده‌ای که به منظور جمع‌آوری آب‌های زائد ساخته می‌شود.
۸۹. **اِگو:** مجراهایی برای انتقال فاضلاب خانگی و صنعتی به تسویه‌خانه را گویند.
۹۰. **کف‌سازی:** سطحی است که بتواند خواسته‌های استفاده‌کننده را از آن برآورده کند.
۹۱. **موزائیک:** نوعی پوشش از جنس بتن یا ملات ماسه‌سیمان برای کف‌سازی.
۹۲. **بلوکاژ:** به منظور جلوگیری از ورود رطوبت به کف ساختمان زیر آن را از قله سنگ پر می‌کنند، به این کار بلوکاژ گویند.
۹۳. **پوکه معدنی:** سنگی است متخلخل با وزن مخصوص کمتر از یک.
۹۴. **پوکه صنعتی:** پوکه صنعتی را از ذوب کردن خاک‌رس و تغییر حالت آن بدست می‌آورند.
۹۵. **دریچه بازدید:** دریچه‌ای برای دیدن اتصالات در کانال‌ها می‌باشد.
۹۶. **دودکش:** مجرای برای هدایت گازهای حاصل از سوخت بخاری به خارج از ساختمان.
۹۷. **هواکش:** مجرای برای هدایت بوهای نامطبوع به خارج ساختمان.
۹۸. **قرنیز:** سنگی است که در پای دیوارهای داخلی ساختمان یا کف پنجره‌ها قرار می‌گیرد.

۹۹. **إزاره:** سنگی است که در پای دیوارهای خارجی ساختمان به کار می‌رود.
۱۰۰. **داربست:** برای ادامه کار در قسمت بالا نیاز به وسیله‌ای است که در زیر پا قرار گیرد که به آن داربست می‌گویند.
۱۰۱. **خرک:** وسیله‌ای که با خاموت ساخته می‌شود و در زیر آرماتور در کف قالب قرار می‌گیرد تا بتن زیر آرماتور برود.
۱۰۲. **ریسمان کار:** وسیله‌ای که برای در راستا قرار دادن دیوار قرار می‌گیرد.
۱۰۳. **آجر نیمه (چارک):** نصف آجر را چارک گویند.
۱۰۴. **آجر سرزده:** آجری که یک چهارم آن کم شده باشد.
۱۰۵. **آجر کم زده:** آجری که یک پنجم آن کم شده باشد.
۱۰۶. **آجر کلوک:** به یک هشتم از آجر کلوک گفته می‌شود.
۱۰۷. **پوسته:** خورده آجرهایی که به ضخامت ۷ میلی‌متر تا ۲.۵ سانتی‌متر باشد.
۱۰۸. **شمشه ملات:** وسیله‌ای برای هموار کشیدن ملات.
۱۰۹. **هشت‌گیر لاریز و لابند دیوار:** برای ادامه دادن دیوار در آینده دیوار را به طوری می‌چینند که در آینده دیوار با قسمت جدید کلاف باشد.
۱۱۰. **دستک:** همان ستون آجر است که معمولا ۳۰*۳۰ یا ۴۰*۴۰ ساخته می‌شود.
۱۱۱. **جوز:** به ستون آجری که بعد از اتمام کار آجرکاری کنار دیوار به اندازه ۵۰ سانتی‌متر ساخته می‌شود.
۱۱۲. **زنبه:** وسیله‌ای است دارای دودسته که در قدیم برای حمل ملات استفاده می‌شود.
۱۱۳. **زنجاب کردن:** برای تمیز کردن آجرها از گرد و غبار و چسبندگی بهتر به ملات آب روی آجر می‌ریزند.
۱۱۴. **هره:** اگر آجر را به پهلو در کنار هم بگذاریم هره نامیده می‌شود.
۱۱۵. **نبش:** محل اتصال دیوار که بصورت ۹۰ درجه می‌باشد.

۱۱۶. آجر گری: آجری که از خاک رس پخته شده در کوره و به اندازه $۱۰ * ۱۰ * ۲۰$ ساخته می‌شود و در دیوار حمال به کار می‌رود.

۱۱۷. کُرم دلیل: کرمی که در گوشه‌ای برای مینا در شیب بندی قرار می‌دهیم.

۱۱۸. دستوره فرش: موزائیک‌هایی که برای مینا قرار دادن فرش دور فضا تعبیه می‌شود.

۱۱۹. رج: به هر ردیف آجر در راستای افقی یک رج گویند.

۱۲۰. سینکا: میلگردهایی که در آرماتور بندی جهت جلوگیری از نیروی کششی تعبیه می‌شود.

۱۲۱. شناژ: بتن مسلح به صورت عمودی یا افقی اجرا می‌شود که باعث یکپارچگی ساختمان می‌شود.

۱۲۲. ستون: عضو عمودی که بارهای ساختمانی را به پی و زمین منتقل می‌کند.

۱۲۳. یوغ: ویسله‌ای چوبی که چهار ضلع دارد و دور قالب ستون جهت نگهداری قالب عمل می‌کند.

۱۲۴. دکفراژ: باز کردن قالب‌ها را دکفراژ گویند.

۱۲۵. میلگرد انتظار: میلگردی که به اندازه ۵۰ تا ۸۰ سانتی‌متر از پی بیرون می‌آید.

۱۲۶.دال: سقفی بتنی با ضخامت ۱۰ سانتی‌متر است.

۱۲۷.دیوار حائل: دیواری است که به منظور پایداری در مقابل فشار جانبی خاک به کار می‌رود.

۱۲۸.راهرو: وسیله‌ای ارتباطی بین ورودی و خروجی ساختمان است.

۱۲۹.سازه: مجموعه‌ای از اعضای مانند پی، ستون و... که برای انتقال نیروهای گوناگون به زمین منتقل می‌کند.

۱۳۰.توجیه نقشه: منطبق کردن شمال جغرافیایی نقشه با شمال جغرافیایی محل.

۱۳۱.بولت: وسیله‌ای است که اتصال بین صفحه کف ستون با بتن را انجام می‌دهد.

۱۳۲.قید موازی: قطعه‌ای فلزی که از تسمه ۹ میلی‌متر برای وصله دو IPE بکار می‌رود.

۱۳۳.شاه تیر: عضوهای فلزی افقی اصلی.

۱۳۴.تیر لانه زنبوری: تیر آهن‌هایی که از وسط جان به شکل ضلعی یا لانه زنبوری جهت مقابله با خیز تیر بکار می‌رود.

۱۳۵.نشیمن تیر: معمولاً از نبشی در ارتفاع مختلف نشیمن‌هایی برای اتصال تیر به ستون بکار می‌رود.

۱۳۶. لچکر: ورق‌های دوزنقه‌ای شکل که برای اتصال تیر و ستون دور نبشی نشیمن به کار می‌رود.

۱۳۷. بالکن: به پیش آمدگی سقف از دیوار اصلی را بالکن یا کنسور گویند.

۱۳۸. بادبند: عضوی که در ساختمان‌های فلزی جهت مقابله با نیروی جانبی به شکل ضربدری یا ۷، ۸ یا ... تعبیه می‌شود.

۱۳۹. ورق روسری: ورق فلزی که در اتصال خرپا روی تیر قرار می‌گیرد.

۱۴۰. درز انقطاع: برای جلوگیری از خطرات ناشی از ضربه‌ی ساختمان در بین دو ساختمان درزی تعبیه می‌شود.

۱۴۱. درز انبساط: برای جلوگیری از انقباض و انبساط در بین دو ساختمان درزی تعبیه می‌شود.

۱۴۲. جوشکاری: وسیله اتصال آهن‌آلات با حرارت دادن فلزات را جوشکاری گویند.

۱۴۳. جوش گوشه: جوشی که در گوشه یا زاویه ۹۰ درجه انجام می‌شود.

۱۴۴. بندی: خرده آجر به ضخامت یک بند انگشت را بندی گویند.

۱۴۵. پولی: خرده آجر به ضخامت یک سکه که در طاق ضربی به کار می‌رود.

۱۴۶. تیشه: وسیله‌ای است برای تخریب‌های سبک در ساختمان.

۱۴۷. کمچه گرد: برای پهن کردن ملات روی دیوار برای آجرکاری و فرش کف.

۱۴۸. کمچه چهار گوش: وسیله‌ای برای سیمان کاری و پلاستر.
۱۴۹. پلاستر: اندود ملات ماسه‌سیمان به ضخامت ۳ سانتی‌متر.
۱۵۰. نرمه کشی: لایه نازم از ملات ماسه‌سیمان یا پودر سنگ و سیمان به ضخامت پنج میلی‌متر.
۱۵۱. تگری: اندود ملات ماسه‌سیمان با استفاده از دستگاه مخصوص.
۱۵۲. بندکشی: پُر کردن درز بین کاشی، آجر و... با استفاده از ملات.
۱۵۳. شلنگ تراز: وسیله‌ای برای در راستا قرار دادن دو نقطه با فاصله نسبتاً زیاد.
۱۵۴. تخته ماله: وسیله‌ای برای پهن کردن ملات با ظرافت کم.
۱۵۵. فرغون: وسیله‌ای برای حمل مصالح.
۱۵۶. آبچک: مقدار بیرون زدگی یا شیارگی که برای ریزش آب زیر سنگ زده می‌شود.
۱۵۷. دو طاقه: سقف کاذبی که معمولاً در فاصله ۶۰ سانتی‌متری از سقف اصلی زده می‌شود.
۱۵۸. داکت: فضای خالی برای عبور لوله‌های تأسیساتی.
۱۵۹. خرپشته: اتافک بالی پله.

۱۶۰. جان پناه: دور چینی اطراف پشت بام به ارتفاع ۸۰ سانتی‌متر.
۱۶۱. کانال کولر: مسیری برای هدایت باد کولر.
۱۶۲. زیر بنا: فضایی که سقف دارد.
۱۶۳. سیم گچ: مخلوطی از ملات گچ و سیمان.
۱۶۴. ملات باتارد: ملات ماسه، سیمان و آهک.
۱۶۵. ملات ساروج: ملات ماسه، سیمان، تخم مرغ و سیفال ریز.
۱۶۶. مسنی: ارتفاع طبقه همکف از کف کوچه با خیابان.
۱۶۷. ستون فلزی: تیرآهنی برای انتقال بار سقف طبقات بالا به فونداسیون.
۱۶۸. رگلاژ سطح: آب پاشی و پوشیدن خاک روی سطح.
۱۶۹. میلگرد یکسر گونیا: میلگردی که یک سر آن زاویه ۹۰ درجه دارد.
۱۷۰. رکابی: میلگردی که آن را به شکل U در آورده‌اند.
۱۷۱. قلاب: برای مهار کردن دو میلگرد.
۱۷۲. رامکا: بتنی است که برای نگه داشتن قالب‌های می‌ریزند.
۱۷۳. قالب بنایی: قالبی برای کارهای کوچک ساخته شده از آجر و گِل.

۱۷۴. چاله آسانسور: چاله‌ای برای قرارگیری کابین آسانسور به ارتفاع ۱/۵ متر پایین‌تر از کف ساختمان.

۱۷۵. تفنگ هیلتی: وسیله‌ای برای پرچ در ساختمان کاربرد دارد همراه با فشنگ مخصوص.

۱۷۶. اسپیسر: قطعات پلاستیکی یا بتنی برای جلوگیری از چسبیدن میلگرد به قالب.

۱۷۷. چاه جذبی: چاهی برای دفع فاضلاب سطحی.

۱۷۸. چاه اِرت: بعد از کندن و قراردادن میله مسی بعنوان انتقال دهنده برق.

۱۷۹. گَوَل: برای جلوگیری از ریزش انباره چاه درون آن تعبیه می‌شود.

۱۸۰. بستَر جذبی: آب فاضلاب غیر مفید را به آب مفید تبدیل کرده برای مصرف غیر آشامیدنی.

۱۸۱. بیس پلِیت: صفحه ستون برای قرارگیری ستون بر روی فوندانسیون.

۱۸۲. دستک: عضوی در ساختمان فلزی برای تحمل نیروی پیش آمدگی‌ها.

۱۸۳. فارسی بُر: برش بصورت ۴۵ درجه.

۱۸۴. بار زنده: به بار در حال جریان در ساختمان بار زنده گویند.

۱۸۵. بار مُرده: بار ساختمان و اشیاء در ساختمان گویند.

۱۸۶. سیفون: وسیله‌ای برای جلوگیری از ورود بو داخل ساختمان.
۱۸۷. ورق آکوستیک: ورقی برای عایق بندی صدا در ساختمان.
۱۸۸. رومی: محلی است در سقف‌های هلالی بصورت نیم دایره.
۱۸۹. تأسیسات مکانیکی: عملیات لوله کشی آبی، گازی و فاضلاب در ساختمان.
۱۹۰. تراس: فضایی به عرض حداکثر ۱/۵ متر در فضای بیرونی ساختمان.
۱۹۱. چیننه: دیواری که با ملات گِل رس بصورت لایه‌ای اجرا می‌شود.
۱۹۲. دالان: فضای ورودی ساختمان‌های قدیمی.
۱۹۳. صفه: قسمت پذیرایی ساختمان‌های قدیمی.
۱۹۴. کنجی: اتاق قسمت انتهایی ساختمان‌های قدیمی که معمولا ارتفاع آن حداکثر دو متر است.
۱۹۵. ساباط: محله‌ای از کوچه عبور که دارای سقف می‌باشد.
۱۹۶. هرزاب: محل جمع آوری آب‌های سطحی در کوچه.
۱۹۷. منار: بناهای استوانه‌ای شکل به ارتفاع حداقل ۲۰ متر.
۱۹۸. جزول: جوی گلی که آب‌های قنات بر روی سطح زمین در آن عبور می‌کند.

۱۹۹. گنبد: اطاقکی چهار ضلعی با سقف هلال در صحرا.
۲۰۰. خاکریز: تجمعی از خاک به منظور جلوگیری از ورود سیل.
۲۰۱. شیشه خور: قسمتی از درب که شیشه در آن قرار می‌گیرد.
۲۰۲. شومینه: وسیله‌ای تزئینی برای گرم کردن ساختمان.
۲۰۳. توفال: تخته‌ی باریک و نازکی که به زیر تیرهای سقف باربر کوبیده می‌شود.
۲۰۴. آستر: اجرای لایه زیرین با یکی از ملات‌ها.
۲۰۵. روبه: اجرای لایه‌های روی لایه آستر با ملاتی نرم.
۲۰۶. پُله: محلی که در زیر دیوار، آب از آن عبور می‌کند.
۲۰۷. پشته: همان انباری چاه جذبی.
۲۰۸. یخچال گلی: سازه‌ای مخروطی شکل که داخل آن گود است، در قدیم به جای یخچال استفاده می‌شده است.
۲۰۹. تقه: سکویی در جلوی خانه‌های قدیمی.
۲۱۰. روشویی: محلی که دست و صورت را می‌شویم.
۲۱۱. بادگیر: سازه‌ای چهار ضلعی که ارتفاع آن از بالاترین قسمت ساختمان بیشتر و جهت خنک کردن ساختمان‌های قدیمی تعبیه شده است.

۲۱۲.صحن: همان حیاط خانه است.

۲۱۳.نورگیر: محلی که برای تامین نور مورد نیاز در ساختمان تعبیه می‌شود.

۲۱۴.گونه دودکش: به دیوارهای طرفین دودکش که آن را از فضای خارج جدا می‌سازد.

۲۱۵.کاشی: پوششی برای نمای خارجی یا داخلی در ساختمان که مقاومت کمی در برابر سایش دارد.

۲۱۶.سنگ پلاک: سنگ برش خورده‌ای با سطح صیقلی که در نما استفاده می‌شود.

۲۱۷.اندود لیس‌های: از این اندود برای زیرسازی عایق‌های رطوبتی مانند قیرگونی و بدنه حوض استفاده می‌شود.

۲۱۸.اندود تخته ماله‌ای: از این اندود در نمای ساختمان، سقف، دیواره‌ی آبریزگاه مانند سقف حمام استفاده می‌شود.

۲۱۹.اندود شسته: در نمای ساختمان مصرف می‌شود و بسته به مواد مصرفی رنگ‌های متنوع و زیبایی به ساختمان می‌دهد.

۲۲۰.اندود موزائیکی: سنگ موزائیک نمره بندی شده را از هر رنگ که لازم باشد به هم، به نسبت دلخواه مخلوط می‌کنند.

۲۲۱.اندود تگرگی: روکاری تگرگی را می‌توان با سنگ ریز و درشت نماسازی کرد.

۲۲۲. **اندود اشکی:** مصالح اجرای این اندود پودر، خاک سنگ، سیمان سفید یا سیمان رنگی است که با آب مخلوط کده و ملات نرمی بدست می‌آید.

۲۲۳. **داربست فلزی:** برای دسترسی به ارتفاعات استفاده می‌شود.

۲۲۴. **فوندانسیون:** قسمتی از سازه که نیروها را از ستون به زمین انتقال می‌دهد.

۲۲۵. **اسکوپ:** بست فلزی برای نگه داشتن سنگ پلاک.

۲۲۶. **قطعه زمین:** زمینی که دارای یک سند مالکیت بوده و بوسیله خیابان یا معبر مجزا نشده باشد.

۲۲۷. **ساختمان:** هر بنای سرپوشیده که برای مسکن و زندگی و یا فعالیت انسان و

نگهداری حیوانات، کالا، ماشین آلات و... در نظر گرفته شده است.

۲۲۸. **واحد مسکونی:** یک یا چند اطاق که به یکدیگر ارتباط داشته ولی از نقطه نظر ساختمانی با سایر اتاق‌هایی که در آن ساختمان قرار دارد مجزا باشد و در عین حال یک واحد مجزای مستقل برای استئغال دائمی خانوار یا تجهیزات لازم برای افراد از نقطه نظر خوابیدن و غذاخوردن باشد.

۲۲۹. **سطح ناخالص طبقات:** سطح ناخالص طبقات عبارتست از جمع کل مساحت طبقات ساختمان با احتساب دیوارهای خارجی.

۲۳۰. **ضریب سطح طبقات:** نسبت سطح ناخالص طبقات ساختمان ساختمان به سطح کل قطعه زمین.

۲۳۱. **عمران:** اقدام به ساختمان و یا تغییر در ساختمان موجود یا سایر فعالیت‌های مشابه اعم از زیرزمین و یا روی زمین.

۲۳۲.اضافات: هر نوع اقدامی که سطح ناخالص طبقات را اضافه نماید اعم از این که اضافات در داخل ساختمان صورت گیرد و یا در مجاورت آن یا در ارتباط با آن در قطعه زمین مربوط به ساختمان.

۲۳۳.بَرِ اصلاحی: آن حدی از قطعه زمین که مشرف به گذر بوده و از قسمت عمق مستلزم عقب نشینی باشد.

۲۳۴.بَر: حدی از قطعه زمین که مشرف به گذر باشد.

۲۳۵.تفکیک: تبدیل و جدا سازی یک قطعه زمین به چند قطعه را تفکیک گویند.

۲۳۶.افراز: مجزا نمودن سهم مشاع هر کی از شرکاء هر ملک.

۲۳۷.پارکینگ ساختمان: محل های لازم برای توقف خودرو که براساس ضوابط و معیارهای مصوب با توجه به نوع استفاده از ساختمان تعیین می گردد.

۲۳۸.پروانه ساختمان: مجوز شهرداری برای احداث بنا، تجدید بنا، تعمیر و تغییر اساسی در ساختمان.

۲۳۹.پوسته طرح: حد نمائی بر گذر و یا کاربری های مورد نظر که در تعیی بر و کف مبنا قرار می گیرند.

۲۴۰.پَخ: قاعده مثلث متساوی الاضلاعی که دو ضلع آن از دو گذر متقاطع تشکیل شده و طول آن در دستور نقشه قید گردیده است.

۲۴۱.ارتفاع ساختمان: فاصله عمودی بلندترین نقطه دست انداز پشت بام از شیب متوسط گذر.

۲۴۲.تراکم ساختمانی: نسبت سطح زیر بنای ساختمان تقسیم بر کل مساحت زمین همان پلاک.

۲۴۳.کنسول (پیش آمدگی): پیش آمدگی ساختمان نسبت به ملک (چنانچه مشرف به گذر باشد از ارتفاع $\frac{3}{5}$ متر و کف تمام شده گذر قابل احداث می - باشد).

۲۴۴. تراکم خالص مسکونی: نسبت تعداد جمعیت یک منطقه به مساحت اراضی مسکونی.

۲۴۵. تراکم ناخالص مسکونی: نسبت تعداد جمعیت یک منطقه به مساحت کل زمین.

۲۴۶. تعمیرات اساسی: هرگونه تعمیری که منجر به تعویض سقف یا ستون‌ها گردد.

۲۴۷. سطوح اشغال ساختمان: سطحی از یک قطعه زمین که توسط ساختمان یا بنائی اشغال شده باشد.

۲۴۸. طرح تفصیلی: طرحی که براساس معیارها و ضوابط کلی طرح جامع شهر، یا کاربری اراضی شهر در سطح و نواحی مختلف شهر و موقعیت و مساحت هر یک از آن‌ها و وضعیت دقیق و تفصیلی شبکه عبور و مرور، میزان تراکم جمعیت و تراکم ساختمانی در واحدهای شهری و حق تقدم مربوطه به مناطق بهسازی، نوسازی، توسعه و حل مشکلات شهری و موقعیت کلیه عوامل مختلف در آن طرح پیش بینی شده و نقشه‌ها و مشخصات مربوطه به مالکیت براساس مدارک ثبتی تهیه و تنظیم می‌شود.

۲۴۹. مقیاس: میزان، تناسب، مقیاس نقشه، نسبت اندازه‌های ترسیم شده به اندازه‌های واقعی را مقیاس گویند.

۲۵۰. پایان ساختمان: گواهی شهرداری مبنی بر اتمام ساختمان و منطبق با پروانه صادره از نظر اصول فنی، بهداشتی، ایمنی و سایر نظامات ضروری در ساختمان.

۲۵۱. طرح جامع: طرحی است بلند مدت که در آن چگونگی استفاده از اراضی و منطقه بندی مربوطه به مناطق مسکونی، تجاری، صنعتی، اداری، بازرگانی، کشاورزی و تأسیسات و تجهیزات شهری و نیازمندی‌های شهری، خطوط کلی ارتباطی، محل استقرار ترمینال‌های مسافربری، فرودگاه‌ها و بنادر و سطح لازم

برای تجهیزات و تسهیلات شهری، ضوابط و مقررات مربوط به بهسازی و نوسازی و اولویت‌های مربوطه به آن‌ها و همچنین ضوابط مربوط به حفظ بناهای تاریخی و مناظر طبیعی، تهیه و طراحی می‌گردد.

۲۵۲. آجررسی: از سیلیکات‌های آلومینیم به شکل مکعب که در قطعات نازک برای تیغه استفاده می‌شود.

بخش دوم: نقشه برداری

۱. نقشه برداری عام Cartography

که عبارت است از جمیع علوم و فنونی است که در چاپ و تهیه نقشه دخالت دارند که در برابر کلمه کارتوگرافی هست.

۲. نقشه برداری خاص Surveying

که عبارت است از یک سلسله از اندازه گیری های طول افقی و عمودی و زاویه ای و انجام محاسباتی بر روی این اندازه گیریها و سر انجام ترسیم نتایج حاصله بر صفحه تصویر است که این مفهوم در برابر کلمه سوروینگ استفاده می شود.

۳. نقشه برداری معدنی Mine surveying

مربوط به نقشه برداری در تونل ها و معادن و تاسیسات زیر زمینی است.

۴. نقشه برداری مستوی Plane surveying

هنگامی که حوزه عمل نقشه برداری در سطح محدودی از زمین باشد به نحوی که بتوان با صرف نظر از انحنای زمین آن را مسطح فرض کرد نقشه برداری مستوی کاربرد پیدا می کند.

در چنین حوزه ای کوتاهترین فاصله بین دو نقطه زمین را می توان خط مستقیم فرض کرد و یا جمع زوایا یک مثلث را که راس آن سه نقطه زمین هست ۱۸۰ درجه در نظر گرفت. قواعد هندسه مسطحه در این حوزه قابل اجرا هست.

۵. نقشه برداری ژئودتیک Geodetic surveying

هنگامی مورد استفاده قرار میگیرد که دامنه کار به قدری وسیع است که مسطح فرض کردن زمین باعث وارد شدن خطای زیاد در نتیجه کار می شود.

۶. نقشه برداری ساختمانی **Construction surveying**

منظور از این کلمه درباره پیاده کردن محور ساختمان ها و تاسیسات وابسته به آنها و نیز کنترل عملیات ساختمانی است.

۷. نقشه برداری دریاها **Hydrographic surveying**

در این شاخه به بررسی وضعیت کف دریاها و اقیانوس ها و تعیین عمق آب در قسمت های مختلف آنها می پردازد.

۸. نقشه برداری ثبت املاکی **Cadastral surveying**

منظور تعیین حدود زمین های شهری و تعیین مساحت آن ها است.

۹. نقشه برداری مسیر **Route surveying**

به روش های مختلف طرح و پیاده کردن مسیرهای راه آهن خطوط انتقال نیرو خطوط لوله آب، گاز و نفت می پردازد.

۱۰. ژئودزی **Geodesy**

برای تعیین شکل و ابعاد زمین و نیز بررسی وضهیت نسبی تعدادی از نقاط که استخوان بندی نقشه را تشکیل می دهد استفاده می شود.

۱۱. کارتوگرافی **Cartography**

کارتوگرافی عبارت است از کار ترسیم و انتخاب قطع نقشه و تهیه پاکنویس از روی نسخه (اصلی مینوت) نقشه.

۱۲. فتوگرامتری **Photogrammetry**

عکس های هوایی توسط دوربین های مخصوص که زیر بدنه هواپیما نصب است به صورت نواحی متوالی از سطح زمین برداشت می شود.

این دستگاه های برجسته بین مورد بررسی و مشاهده دقیق قرار میگیرد و پس از -

ترمیم و اصلاح آن‌ها زیر دستگاه‌های تبدیل قرار می‌گیرد و توسط اپراتورهای مخصوص به نقشه تبدیل می‌شود.

۱۲. مقیاس Scale

نسبتی را که بین ابعاد روی نقشه و اندازه‌های نظیرشان بر روی زمین وجود دارد مقیاس می‌گویند.

۱۳. مقیاس خطی یا ترسیمی Graphical Scale

چون در اثر رطوبت و تغییر دما امکان تغییر و اثر گذاردن بر روی اندازه‌های نقشه وجود دارد معمولاً بر مقیاس عددی یک مقیاس عددی یک مقیاس خطی نیز در زیر نقشه رسم می‌کنند که در صورت تغییر ابعاد کاغذ اندازه‌های این مقیاس متناسب با آن تغییر کند و همواره اندازه‌گیری صحیح بر مبنای آن انجام شود.

۱۳. تراز یابی Leveling Nivellment

مقصود از تراز یابی یا نیولمان؛ تعیین اختلاف ارتفاع بین دو نقطه یا چند نقطه (نسبت به هم یا نسبت به یک سطح مبنای معین) است که با استفاده از دستگاه‌های مختلف و با روش‌های گوناگون صورت می‌گیرد.

۱۴. تراز کروی یا دایره ای Circular level

محفظه تراز کروی فلزی و قسمت بالای آن شیشه‌ای و شکل آن از نظر هندسی شبیه به عرقچین کروی است که در قسمت بالای آن در وسط حباب یک یا چند دایره سیاه رنگ با اختلاف شعاع تقریبی ۲ میلی‌متر حک شده تا بتوان محل تشکیل حباب و نیز میزان جابجایی آن تشخیص داد.

۱۵. تراز استوانه ای Circular level

محفظه این نوع تراز شیشه‌ای و شکل آن از نظر هندسی قسمتی از یک استوانه خم شده (شبه به تیوب دوچرخه است) لوله آن را در خارج محفظه تقسیم بندی کرده‌اند

به قسمتی که فاصله بین هر دو قسمت مقداری تقریباً ۲ میلیمتر است بدین ترتیب می توان در هر زمان موقعیت جباب را نسبت به درجات تقسیمی تشخیصی داد.

۱۶. شاخص تراز یابی میر Plate level

شاخص های مدرجی که در نقشه برداری مخصوصاً در تراز یابی بکار برده می شود اکثراً از چوب و بعضی از آلومینیوم یا فلزات دیگر ساخته شده اند طول آنها از ۱ تا ۴ متر است که سانتی متر به سانتی متر مدرج شده است.

۱۷. قوس افقی Horizontal curves

برای اتصال دو قسمت مستقیم از مولفه افقی یک مسیر از قوس های افقی استفاده می شود و به این دلیل است که عمل انتقال وسیله نقلیه از یک امتداد به امتداد دیگر باید به تدریج صورت گیرد.

۱۸. قوس های دایره ای ساده Simple circular curves

ساده ترین منحنی یا قوس که دو قسمت مستقیم از یک مسیر افقی را به هم وصل می کند قوس دایره ای ساده است.

۱۹. قوس اتصال Transmission curve

قوسی را که شعاع انحنای آن از بی نهایت (در صمت مستقیم جاده) شروع می شود و به R در قسمت قوس دایره ای می رود قوس اتصال می گویند. قوس های اتصال در آغاز و پایان قوس دایره ای استفاده می شود و در حقیقت حد فاصل قسمت مستقیم و قسمت دایره ای جاده اند.

۲۰. گونیای مساحی Optical Square

وسایل ساده نوری هستند که به کمک آن ها میتوان زوایای قائمه و نیز زوایای $45/30$ و 60 درجه را نسبت به امتداد مفروض بر روی زمین مشخص نمود. این گونیاها بر اساس قوانین مربوط به نور هندسی در آینه ها و منشورها ساخته می شود و در آنها خط مربوط به شعاع های تابش، بازتاب و تابش، شکست نور استفاده شده است.

۲۱. استقرار Setting up

مقصود مستقر ساختن تئودولیت بر روی سه پایه به نحوی است که بالا محور اصلی دستگاه از نقطه (S علامت ایستگاه) بگذرد و ثانيا امتداد آن در استای قائم (شاغول) باشد. در این صورت عمل استقرار شامل دو مرحله است:

۱. تمرکز دستگاه گذاری Centring

۲. تراز کردن Leveling up

۲۲. زاویه حامل Vector angle

کوچکترین زاویه ای که بین امتداد شمال - جنوب و امتداد مفروض تشکیل می شود زاویه حامل گویند و جهت زاویه در نظر گرفته نمی شود.

۲۳. چهار ضلعی با دو قطر Braced Quadrilateral

معمولا در مناطقی استفاده می شود که عرض منطقه در مقایسه با طول آن کوتاه باشد. در این روش در چهار نقطه $A B C D$ که رئوس یک چهار ضلعی را تشکیل می دهد ایستگاه گذاری می شود در هر ایستگاه به سه نقطه دیگر نشانه روی می شود و جمعا ۸ زاویه اندازه گیری می شود.

۲۴. قطب نما Compass

ساده ترین راه برای یافتن شمال مغناطیسی یا آزیموت مغناطیسی استفاده از جهت یاب مغناطیسی یا قطب نماست که از این وسیله در کارهای ساده نقشه برداری نظیر مساحی و یا غیره استفاده می شود.

این وسیله صفحه ای دایره ای مدرجی دارد که از ۰ تا ۳۶۰ درجه تقسیم بندی شده است و از یک شکاف و تار باریکی که داخل آن است و یک روزنه کوچک یا مگسک برای نشانه روی استفاده می شود.

خط سیاه رنگی که روی دایره مدرجی قرار دارد دقیقا در امتداد محور نشانه روی دستگاه است و بنابراین برای تعیین آزیموت مغناطیسی یک امتداد پس از نشانه روی به نقطه نشانه می توان عدد دایره مدرج را در مقابل این خط قرائت کرد.

۲۵. تلسکوپ Telescope

نوعی از دوربین های نجومی است و از یک لوله، یک عدسی با فاصله کانونی زیاد به نام عدسی شیئی (با فاصله کم) و یک صفحه شیشه ای که روی آن دو تار سیاه رنگ عمود بر هم حک شده تشکیل یافته است. صفحه شیشه ای را صفحه رتیکول و خط فرضی که مرکز رتیکول را به مرکز نوری عدسی شیئی وصل می کند خط قراولروی می گویند.

۲۶. اثر انکسار نور Refraction

هنگامی که یک شعاع نوری از میان طبقات مختلف جو عبور می کند به علت تغییرات چگالی زمین امتداد آن مرتب شکسته می شود و به این ترتیب خط قراولروی TA به شکل منحنی TA' در می آید و در نتیجه این تغییر شیئی مورد مشاهده نسبت به موقعیت حقیقی آن بالاتر به نظر می رسد. در شرایط جوی معمولی مقدار عددی تصحیح انکسار در حدود ۱/۷ تصحیح کرویت و در جهت مخالف آن است.

۲۷. آلیداد Alidade

یکی از اجزای دستگاه زاویه یاب یا تئودلیت را تشکیل می دهد و شامل محور افقی تئودلیت نیز است. این قسمت حول محور اصلی یا محور قائم دستگاه نامیده می شود و به طور سمتی چرخش می کند. با چرخش آلیداد در سمت تلسکوپ نیز همراه آن حول محور اصلی می چرخد.

۲۸. لمپ افقی Horizontal circle

لمپ افقی معمولا در قسمت زیرین آلیداد قرار دارد و برای مشخص کردن موقعیت سمتی صفحه قراولروی یا به تعبیر دیگر وضعیت سمتی آلیداد بکار می رود. لمپ افقی یک صفحه دایره ای شیشه ای است که محیط آن از ۰ تا ۳۶۰ درجه یا ۴۰۰ گراد در دستگاه هایی با سیستم گرادى تقسیم بندی شده است. اگر ساختمان دستگاه درست باشد محور اصلی زاویه یاب بر صفحه دایره مدرج افقی عمود است و از مرکز این دایره می گذرد.

۲۹. لمپ قائم **Vertical circle**

لمپ قائم نیز دایره شیشه ای مدرجی است که صفحه آن به صورت قائم در کنار آلیداد و عمود بر محور افقی دستگاه قرار دارد و چنانکه دستگاه تنظیم باشد، محور قراولروی دستگاه از مرکز این دایره مدرج می گذرد. این لمپ برای تعیین وضعیت ارتفاعی محور قراولروی بکار برده می شود.

